

پژوهشهای حقوقی

شماره ۶

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال دوم

مقالات

- بلژیک و پایان ده سال رؤیای صلاحیت جهانی در جرائم بین المللی
- کنترل قضائی قانون عادی در تطبیق با قانون اساسی (حقوق تطبیقی و ایران)
- شورای امنیت و ارجاع وضعیت «دارفور» (سودان) به دیوان کیفری بین المللی
- نگرشی حقوقی به موافقتنامه پاریس درباره برنامه هسته‌ای ایران
- اجرای ملی موازین حقوق بین الملل و نقش دادگاه ایرانی

موضوع ویژه: مبارزه حقوق کیفری با جرائم اقتصادی

- نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین
- ضرورت تسری مجازات مرتشی به بخشهای غیردولتی در حقوق کیفری ایران
- بررسی تطبیقی جنبه‌های حقوقی معاملات در بازار بورس اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه
- کلاهبرداری رایانه‌ای

گزارش و نقد

- مروری بر پیش نویس اصلاح قانون تجارت پیشنهادی وزارت بازرگانی
- جهانی امن‌تر: مسؤولیت مشترک ما (گزارش هیأت عالی رتبه دبیرکل در خصوص تهدیدات، چالش‌ها و تغییرها (دسامبر ۲۰۰۴))





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44697.html

جهانی امن تر: مسؤولیت مشترک ما

گزارش هیأت عالی رتبه دبیرکل در خصوص تهدیدات، چالش‌ها و تغییرها (دسامبر ۲۰۰۴)

امیر ساعد وکیل*

مقدمه

به دنبال مباحث داغی که در ارتباط با مشروعیت اقدامات نظامی ایالات متحده آمریکا در عراق و ناتوانی سازمان ملل متحد برای جلوگیری از برافروخته شدن آتش جنگ در گرفت، آقای کوفی عنان - دبیرکل ملل متحد - برنامه خود را در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۳ جهت تشکیل هیأتی عالی رتبه اعلام داشت. ایشان طی اظهاراتی در نوامبر ۲۰۰۳ ترکیب ۱۶ نفره هیأت را مرکب از اشخاص زیر تعیین کرد: پانیا راجان، نخست وزیر سابق تایلند - بادیتتر، عضو سنای فرانسه و وزیر سابق دادگستری فرانسه - بانا سوارز، دبیرکل سابق وزارت روابط خارجی برزیل و دبیرکل سابق سازمان کشورهای امریکایی - برانت لند، نخست وزیر سابق نروژ و مدیرکل سابق سازمان جهانی بهداشت - چینری هیس، معاون کمیسیون برنامه ریزی توسعه ملی غنا و معاون دبیرکل سابق سازمان بین‌المللی کار - ایوانز، رئیس گروه بحران بین‌المللی و وزیر سابق امور خارجه استرالیا - هن نی، سفیر انگلیس در سازمان ملل متحد و فرستاده ویژه سابق انگلیس به قبرس - ایگلسیاس، رئیس بانک توسعه امریکایی و وزیر سابق روابط خارجی اروگوئه - موسی، دبیرکل اتحادیه کشورهای عرب و وزیر سابق امور خارجه مصر - نامیبیار، ژنرال ارشد سابق ارتش هند و فرمانده عملیات UNPROFOR - اگاتا، رئیس آژانس همکاری بین‌المللی ژاپن و

* کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل و حقوق بشر

کمیسر عالی سابق سازمان ملل متحد در امور پناهندگان - پریماکف، نخست وزیر سابق فدراسیون روسیه - کی چن، معاون نخست وزیر و وزیر سابق امور خارجه چین - سدیک، فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد ایدز در آسیا و مدیر اجرایی سابق صندوق جمعیت ملل متحد - سلیم، نخست وزیر سابق جمهوری تانزانیا و دبیرکل سابق سازمان وحدت افریقا - اسکا کرافت، ژنرال ارشد سابق نیروی هوایی امریکا و مشاور سابق امنیت ملی ایالات متحده.

مأموریت این هیأت بررسی تهدیدات پیش روی جامعه بین‌المللی در دوران معاصر، ارزیابی توانایی سازمان ملل متحد برای مقابله با آنها و در پایان، ارائه رهنمودهایی در خصوص سیاستگذاری‌ها و اعمال اصلاحات لازم در نظام ملل متحد جهت سازگاری با شرایط کنونی اعلام شد.

گزارش «جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک ما» (تهدیدات، چالش‌ها و تغییرها) که در تاریخ ۲ دسامبر ۲۰۰۴ به طور رسمی به دبیرکل سازمان ملل متحد تقدیم شد در چهار فصل، ۲۰ بخش و ۳۰۲ بند تهیه شده و نهایتاً حاوی ۱۰۱ توصیه است.^۱ چکیده و نقد گزارش تقدیم می‌گردد.

فصل اول - به سوی اجماع امنیتی نوین

۱- دنیایی متفاوت: ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۵

از زمان تأسیس سازمان ملل متحد، تعداد کشورهای عضو این سازمان از ۵۱ کشور به ۱۹۱ کشور افزایش یافته است و دیگر از کشورهای کم و بیش یکدست خبری نیست بلکه جامعه بین‌المللی از اعضائی با ویژگی‌های گوناگون برخوردار است. این تحول، یکی به علت در پیش گرفتن سیاست استعمارزدایی در سازمان ملل متحد است و دلیل دوم، کوشش سازمان در کمک به تأسیس کشورها به خصوص در ۳۰ سال نخست عمر آن می‌باشد.

کشورهای نوظهور وارث مرزها و اقتصادهای استعماری، در گام‌های نخستین

¹ A more secure world: our shared responsibility, The report is available on line at <http://www.un.org/secureworld> .

برای نیل به استقلال، رقابت در آموزش و توسعه تخصص حرفه‌ای، علمی و تکنولوژیک جهت اداره کشورها و اقتصادهای مدرن را آغاز کردند. اما بتدریج، شاهد افزایش جنگ‌های داخلی هستیم که ریشه در بحران‌های صلاحیت و مشروعیت در کشورهای جدید دارد. علی‌رغم پیشرفت‌های غیرقابل انکار، باید اذعان داشت که در سطح دنیا، شاخص امید به زندگی و درآمد سرانه به طور ناموزون افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر، ویروس ایدز، موکدترین طبقه افراد جامعه را از چرخه فعالیت‌های اقتصادی خارج ساخته و میلیون‌ها نفر، به خصوص کودکان هر ساله در اثر سوءبهداشت، سوءتغذیه و فقر جان می‌بازند. تحولات به این سمت پیش رفته که اکنون، کنترل قابلیت تخریبی فن‌آوری هسته‌ای و مهار آن، از جمله اصلی‌ترین وظایف ملل متحد در آمده است. از بدو تأسیس سازمان ملل، جنگ سرد و دو قطبی شدن جهان، سازمان ملل و به ویژه شورای امنیت را از کار انداخته بود. در طول حیات سازمان ملل تا کنون، این نهاد از چند طریق توانست که از برافروخته شدن آتش جنگ‌ها بکاهد: عملیات حفظ صلح، دیپلماسی دبیرکل، تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری و تکوین عرفی علیه جنگ تجاوزکارانه. طی همین دوران و در دهه ۱۹۹۰ است که شورای امنیت، از تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی تفاسیر موسعی به دست داده که از آن جمله مداخله در سومالی با اهداف بشردوستانه می‌باشد. در همین راستا سازمان ملل متحد، مفهوم امنیت انسانی را مطرح می‌کند و خیلی زود متوجه می‌شود که از توان لازم در تأمین آن برخوردار نیست. در پی همین تحولات است که مبارزه علیه تروریسم، تحت نظام فصل هفتم منشور در آمده است. انقلاب تکنولوژیک که در خود، تحول در ارتباطات، فرآوری اطلاعات، بهداشت و حمل و نقل را به دنبال داشته، مرزها را کمرنگ‌تر ساخته و ابزاری مناسب به ویژه برای جرائم سازمان یافته فراملی شده است.

۲- مسأله امنیت جمعی جامع

الف- تهدیدات بدون مرز

در دنیای امروز، تهدیدات به هم پیوسته بوده و حمله به یکی، حمله به همه

محسوب می‌شود. هر گونه تهدید علیه امنیت بین‌الملل، خطر تهدیدات دیگر را گسترش می‌دهد. به عنوان نمونه، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، امکان دستیابی تروریست‌ها را به این تسلیحات افزایش می‌دهد. همین گروه‌های تروریستی در آلام ناشی از فقر، اشغال خارجی، فقدان حقوق بشر و دموکراسی، عدم بردباری مذهبی و خشونت‌های شهری را به عنوان چارچوبی مناسب برای گسترش استفاده می‌کنند. فقر با شروع جنگ‌های داخلی در ارتباط است، امراض، فقر را دامن می‌زنند و بیماری‌ها و فقر با تخریب محیط زیست در ارتباطند.

ب- محدودیت‌های حفاظت از خود

باید پذیرفت که تلاش انفرادی حتی قدرتمندترین کشورها در مقابل تهدیدات امروزی به نتیجه نخواهد رسید. پس ایجاد یک سیستم امنیت جمعی و جامع، جهت همکاری در برابر تهدیدات گسترده به نفع همه کشورهای است.

ج- حاکمیت و مسؤلیت

حاکمیت، مسؤلیت کشورها برای حفاظت از آسایش مردم خود و انجام مسؤلیت‌های خود در قبال جامعه بین‌المللی را به همراه دارد. نمی‌توان بر این فرض تکیه زد که همه کشورهای همیشه قادر یا مایل به انجام مسؤلیت‌هایشان برای حفاظت از مردم خود و اجتناب از صدمه رساندن به همسایگان باشند. اصول امنیت جمعی بدان معناست که برخی از بخش‌های این مسؤلیت‌ها باید توسط جامعه بین‌الملل، طبق منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، جهت ظرفیت‌سازی ضروری و تأمین حفاظت لازم، بر حسب مورد به انجام رسد. منشور به دنبال حفاظت از کشورهاست چون آنها لازمه دست یافتن به عزت، عدالت و امنیت شهروندان می‌باشند.

د- عناصر یک سیستم امنیت جمعی معتبر

سیستم امنیت جمعی باید مؤثر، کارآ و منصف باشد تا پایدار باقی بماند.

۱- مؤثر بودن

مؤثر بودن سیستم امنیت جمعی با کاهش تقاضای سلاح‌های هسته‌ای، میانجی‌گری میان کشورها یا خاتمه دادن به جنگ‌های داخلی تحقق می‌یابد. در این

سیستم باید بازیگران ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جامعه مدنی با هم عمل کنند. کشورها در خط مقدم پاسخ به تهدیدات قرار دارند و ارتقای ظرفیت کشورها در جهت برخورداری از حاکمیت‌شان باید در زمره بخشی از مسئولیت‌های آنها باشد. در هر حال، موفقیت اقدام‌های جمعی در گرو هشدار به موقع، اقدام به موقع (پیشگیری) و نظارت و رسیدگی به عنوان اقدامات تکمیلی در فرآیند اجرا نگریسته شود نه یک جایگزین.

مفهوم مسئولیت بین‌المللی کشورها در حفاظت از شهروندان (در قالب حقوق بشر و حقوق بشردوستانه) در کنار مصونیت سران کشورها و حق مداخلات بشردوستانه معنا پیدا می‌کند.

۲- کارآیی

علی‌رغم کارآیی برخی از ابزارهای جمعی مثل پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و میانجی‌گری‌های دیبرکل در پیشگیری، مفاهیمی مثل عملیات بعد از جنگ کارآیی نداشته است. بزرگترین منبع بی‌کفایتی در نهادهای امنیت جمعی صرفاً عدم تمایل به پیشگیری جدی از خشونت‌های مرگ‌آفرین و عدم اختصاص به موقع زمان و منابع است.

۳- انصاف

همچنین اعتبار هر سیستم امنیت جمعی بستگی به این دارد که تا چه حد، امنیت اعضای خود را بدون هیچ تبعیضی تأمین کند.

فصل دوم - امنیت جمعی و چالش پیشگیری

۳- فقر، بیماری‌های عفونی و تخریب محیط زیست

الف - تهدیدهای پیش روی ما

کشورها باید به صورت سازمان یافته با معضلات توسعه برخورد کرده و فقر، بیماری‌های عفونی و تخریب محیط زیست را به عنوان تهدیدهای انتزاعی مورد

مسامحه قرار ندهند.

در نشست جهانی سران در خصوص توسعه پایدار در «ژوهانسبورگ» افریقای جنوبی، و کنفرانس بین‌المللی در خصوص تأمین مالی برای توسعه که در «مونتری» مکزیک برپا گردید، تفاهم جهانی در محو فقر، نیل به امنیت غذایی، رشد اقتصادی و حفظ محیط زیست به دست آمد که با اهداف توسعه هزاره تحکیم شده است. مسئولیت اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی با دولت‌هاست و این امر از طریق رشد بخش خصوصی، پیگیری سیاست‌های اقتصادی دقیق، احداث مؤسسات و نهادهای مؤثر و سرمایه‌گذاری در بخش‌های دولتی و اجتماعی که فواید آن به تمام مردم می‌رسد، انجام می‌گیرد. کشورهای دیگر در کاهش فقر از طریق کاهش موانع تجاری، افزایش کمک توسعه‌ای و کاهش قروض کشورهای بسیار فقیر در این خصوص سهم هستند.

ب- مواجهه با چالش پیشگیری

۱- منابع بیشتر و اقدام

کشورها باید خود را به اهداف مربوط به ریشه‌کنی فقر، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و ارتقای توسعه پایدار متعهد سازند. اهداف توسعه هزاره با تحقق سیاست‌های درست و حکومت شایسته عملی می‌شود. همچنین، کاهش بی‌عدالتی در سیستم تجارت جهانی موجب کاهش فقر خواهد شد. در این مبحث، موانع تجاری کشورهای توسعه یافته بر محصولات کشاورزی وارداتی و نتایج اعلامیه دوحه مورد نظر است.

بهبودسازی و اصلاحات حکومت از موجبات فقرزدایی و کاهش بدهی‌ها، طولانی‌تر کردن زمان بازپرداخت و دسترسی بیشتر به بازارهای جهانی از کارهای دولت‌های وام‌دهنده و مؤسسات مالی بین‌المللی باید باشد. همین‌طور، ضمن افزایش منابع برای مقابله با آیدز، بسیج منابع، سرمایه‌گذاری، تلاش جامعه مدنی و بخش خصوصی برای کنترل این ویروس ضرورت دارد.

۲- ابتکارهای جدید

مداوای موقت و مقطعی بیماری‌ها که ناشی از سرمایه‌گذاری ناکافی یا فقدان

تسهیلات بهداشتی کامل است، موجب بروز مشکلات جدیدی می‌شود و اجرای برنامه‌های مبارزه با بیماری‌ها را به طور مؤثر و پایدار مختل می‌کند. به همین دلیل، افزایش منابع از سوی کشورهای عضو مجمع سازمان جهانی بهداشت جهت هشدار و نظارت بر شیوع بیماری‌ها و مقابله با گسترش بالقوه بیماری‌ها لازم است. به علاوه، همکاری میان سازمان جهانی بهداشت و شورای امنیت برای اتخاذ تدابیر مؤثر قرنطینه‌ای ضروری است. کشورها باید توجه ویژه خود را به توسعه منابع انرژی با کربن اندک برای کم کردن استفاده از سوخت‌های فسیلی و حذف یارانه‌های مضر به حال محیط زیست به خصوص در مورد استفاده و توسعه سوخت‌های فسیلی معطوف دارند. در این راستا الزامات پروتکل کیوتو تا سال ۲۰۱۲ در حد صفر قلمداد می‌شود. در ضمن باید کمک‌های بیشتری به کشورهای آسیب‌پذیرتر در برابر بلایای طبیعی اختصاص یابد.

۴- مناقشات داخلی و خارجی

الف - تهدید ناشی از مناقشه میان کشورها

منازعات حل نشده در جنوب آسیا، شمال و شرق آسیا و خاورمیانه کماکان صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. شورای امنیت با توجه به آثار سوء تحریم‌های جامع، بعد از بحران‌های عراق، هائیتی و یوگسلاوی سابق به تحریم‌های هدفمند مالی، دیپلماتیک، تسلیحاتی، هوانوردی، مسافرتی و کالاهای تجاری رو آورده است. از همین جا ناشی می‌شود که از دهه ۱۹۹۰ شورای امنیت هم به استفاده از اختیارات خود طبق فصل هفتم منشور تمایل بیشتری پیدا کرده و هم به عنوان مرجع تصمیم‌گیری در خصوص توسل به زور در مناقشات بین‌المللی جا افتاده است. با این حال، ابر قدرت‌ها کمتر برای اقدامات خود، خواهان حمایت شورا هستند و اینکه همه کشورها باید مجوز توسل به زور را از شورا اخذ کنند، اصلی نیست که همواره رعایت شده باشد.

ب- تهدید ناشی از مناقشه داخلی

ظرف ۱۵ سال گذشته، جنگ‌های داخلی بیشتری از طریق مذاکره فیصله یافته‌اند. میانجی‌گری تنها توانست ۲۵ درصد جنگ‌های داخلی را فیصله دهد. اما

بزرگترین شکست سازمان ملل را باید ناکامی در توقف پاکسازی نژادی عنوان کرد.

ج- مواجهه با چالش پیشگیری

۱- ضوابط و چارچوب‌های تنظیمی بهتر در سطح بین‌المللی

سازمان ملل متحد به منظور جلوگیری از جنگ‌ها باید رژیم‌های بین‌المللی را جهت نظارت بر ریشه‌ها و عوامل مناقشه بسط دهد. یکی از راهکارهای حقوقی در این خصوص، ارتباط بیشتر شورای امنیت با دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشد. همچنین، فقدان مدیریت صحیح منابع طبیعی، مانعی برای تحقق صلح و یاری کشورهای آسیب‌دیده از جنگ قلمداد شده که می‌توان کشورهای سیرالئون، آنگولا و کنگو را مثال زد. بنابراین، لزوم تدوین ضوابط مدیریت منابع طبیعی با مراجع ملی، مؤسسات مالی بین‌المللی، سازمان‌های مدنی و بخش خصوصی در کشورهای رهایی یافته از مناقشه یا با خطر مناقشه توسط سازمان ملل دیده می‌شود. به همین منظور، تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل به ویژه در خصوص منابع فرامرزی مثل نفت، گاز و آب مثلاً از طریق کمیسیون حقوق بین‌الملل لازم است و به منظور پیشگیری، همکاری نزدیک سازمان ملل با سازمان‌های منطقه‌ای پیش‌تاز در تدوین این چارچوب‌ها مفید محسوب می‌شود.

می‌باید در کنترل تسلیحات، اقدامات بیشتری صورت داد، مخصوصاً جنگ افزارهای کوچک و سبک و متعاقب همین مسأله، تسریع انعقاد قراردادهای الزام‌آور پیرامون ردگیری، دلالی و حمل و نقل جنگ افزارهای کوچک و سبک لازم است. مضافاً اینکه کشورها باید در ارائه گزارش کامل و به موقع از میزان ذخایر و خرید و فروش تسلیحات متعارف خود اهتمام ورزند.

۲- تحلیل و اطلاعات بهتر

ایجاد پست معاونت دبیرکل در امور صلح و امنیت به عنوان واحدی جهت ادغام ظرفیت‌های سازمان ملل متحد برای ارائه گزارش‌های هشدار اولیه، راهبردی بسیار مؤثر است و باید تعامل سازمان ملل با آژانس‌های میدانی و سازمان‌های غیردولتی در هشدارهای اولیه به موقع تقویت شده تا دسترسی دبیرکل به تحلیل‌های محلی مناقشه افزایش یابد.

۳- دیپلماسی پیشگیرانه و میانجی‌گری

اگر چه دولت‌ها مایل نیستند که اوضاع داخلی آنها بین‌المللی شود، اما انتصاب نمایندگان ویژه، میانجی‌گران و فرستادگان باتجربه و برخوردار از دانش محلی می‌تواند سازمان ملل را در پیشگیری از بروز مناقشات داخلی بیشتر کمک کند. البته ملاک انتصاب‌ها باید شایستگی باشد تا تسهیلات جدیدی برای آموزش و توجیه نمایندگان بالقوه فراهم آید. در این میان نباید با توجه به افزایش تقاضا، توسعه منابع اختصاص یافته برای میانجی‌گری را از یاد برد. موارد زیر، از جمله ویژگی‌هایی است که یک میانجی‌گر باید دارا باشد: ۱- برخورداری از دانش تخصصی ۲- تسلط بر مسائل موضوعی مثل توالی مراحل اجرایی، طراحی ترتیبات نظارتی، توالی ترتیبات موقتی و طراحی راهکارهای آشتی ملی ۳- تعامل بیشتر با میانجی‌گران ملی، سازمان‌های منطقه‌ای و غیردولتی درگیر در فیصله مناقشه ۴- درگیر ساختن افراد برجسته جامعه مدنی و به ویژه زنان در مذاکرات.

۴- اعزام پیشگیرانه

در پیشگیری از مناقشات، اعزام پیشگیرانه و استقرار به موقع حافظان صلح می‌تواند خیلی کارساز باشد. در کنار آن، تعداد کمی از پرسنل حافظان صلح می‌توانند به آموزش نیروهای مسلح ملی در کشورهایی که تازگی از جنگ خلاص شده‌اند بپردازند. نهایتاً اینکه باید بیشتر به ارتباط متقابل میانجی‌گران با طراحان حفظ صلح توجه داشت.

۵- سلاح‌های هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک

الف - تهدیدهای پیش روی ما

۱- سلاح‌های هسته‌ای

باید توقف گسترش سلاح‌های هسته‌ای و استفاده بالقوه از آنها توسط بازیگران دولتی یا غیردولتی، اولویتی فوری برای امنیت جمعی قلمداد شود. می‌توان تصور کرد که در اثر اشاعه تسلیحات هسته‌ای دو تهدید ظهور یابد: یکی، توسعه برنامه‌های تسلیحاتی تحت پوشش پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و خروج از

پیمان در هنگام ضرورت. دیگری که تهدیدی بلندمدت‌تر است ناظر بر از هم پاشیدگی احتمالی کل رژیم معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای است. می‌توان سه شیوه کارکرد موفق این پیمان را چنین برشمرد:

- تقویت ممنوعیت هنجاری مالکیت، کاربرد و گسترش تسلیحات هسته‌ای؛
 - تضمین بهره‌مندی از منافع فن‌آوری هسته‌ای اما با نظارت؛
 - ممانعت از مسابقات تسلیحاتی غیرضروری و اطمینان دادن به دولت‌ها درباره ظرفیت‌های همسایگان و رقبای بالقوه.
- با این حال نباید از این امر غافل بود که معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، به خاطر عدم پای‌بندی کامل به تعهدات موجود، خروج یا تهدید به خروج، محیط متغیر امنیت بین‌المللی و انتشار فن‌آوری در معرض خطر است.

۲ - سلاح‌های رادیولوژیک

در دسترس بودن مواد رادیولوژیک و الزامات نه چندان پیچیده برای چنین انفجاری، احتمال کاربرد این سلاح‌ها را زیاد می‌کند.

۳ - سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی

عامل‌های شیمیایی همه جا در دسترس بوده و به صورتی نسبتاً راحت جنبه تسلیحاتی می‌یابند. کمتر از یک هفتم عامل‌های تسلیحاتی اظهار شده تا به امروز توسط سازمان منع تسلیحات شیمیایی، راستی‌آزمایی شده است. همین‌طور، همگام با رشد بیوتکنولوژی، هراس از طراحان ویروس‌ها نیز بالا گرفته است. از یاد نبریم که عدم وقوع حمله بیولوژیک، دلیل آسوده‌خاطری نیست، بلکه ندایی برای پیشگیری فوری می‌باشد.

ب - مواجهه با چالش پیشگیری

پیشگیری از کاربرد انواع تسلیحات، مستلزم یک اقدام چند لایه است: استراتژی مؤثر برای جلوگیری از اشاعه انواع سلاح‌ها جهت کاهش تقاضا - ابزار جهانی ناظر بر عرضه کنندگان - اقدامات اجرایی شورای امنیت بر اساس اطلاعات و تحلیل‌های موثق - در برگرفتن غیر نظامیان در سطوح ملی و بین‌المللی و دفاع از بهداشت عمومی.

۱ - استراتژی بهتر برای کاهش تقاضا

خلع سلاح کور، عامل تضعیف رژیم عدم اشاعه بوده و کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای، تمایلی به تضمین عدم استفاده از این سلاح‌ها را نداشته و خواهان حفظ حق تلافی با سلاح‌های هسته‌ای علیه حملات شیمیایی و بیولوژیکی هستند. به این ترتیب، کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای باید پایبندی خود را به تعهدات ناشی از ماده ۶ پیمان منع تکثیر تسلیحات هسته‌ای و آمادگی نسبت به اتخاذ اقدامات مشخص برای اجرای این تعهدات و عدم استفاده از تسلیحات هسته‌ای علیه کشورهای فاقد آنها و تحکیم همکاری بین‌المللی برای توقف گسترش تسلیحات ابراز دارند. کاهش خطر جنگ تصادفی هسته‌ای، تنها با مشارکت کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای میسر است. در همین راستا شورای امنیت، صریحاً متعهد است تا در واکنش به یک حمله هسته‌ای یا تهدید چنین حمله‌ای علیه یک کشور غیرهسته‌ای به اقدامات جمعی مبادرت کند. در مقابل، کشورهای غیر عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، متعهد به همکاری در عدم اشاعه بوده و باید این معاهده را تصویب کنند. همچنین، مذاکرات خلع سلاح هسته‌ای در تلاش‌های صلح خاورمیانه گنجانده شود.

در خصوص انهدام برنامه‌ریزی شده ذخایر سلاح‌های شیمیایی نیز باید سرعت عمل بیشتری به خرج داد و راستی‌آزمایی سلاح‌های شیمیایی باید تقویت شده و تلاش برای جهانشمولی کنوانسیون منع سلاح‌های سمی و بیولوژیک و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، امری بجاست.

۲ - استراتژی‌های بهتر برای کاهش عرضه

باید حق کشورها را در توسعه صنایع هسته‌ای غیرنظامی مورد توجه قرار داد. به همان صورت که در ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق دولت‌های عضو برای توسعه، تحقیق، تولید و استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای مورد تضمین قرار گرفته است. در این خصوص می‌بینیم که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قواعد بازرسی سخت‌تری را در مدل پروتکل الحاقی برقرار نموده است. در تکمیل این روند باید به مذاکرات مربوط به ترتیبات تضمین عرضه مواد شکافت‌پذیر برای استفاده‌های هسته‌ای غیرنظامی سرعت بخشید. همچنین، تسریع مذاکرات مربوط

به اصلاح کنوانسیون جلوگیری از اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی (۱۹۸۸) برای تقویت مقررات بین‌المللی علیه قاچاق غیرقانونی تسلیحات و مواد هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی ضرورت دارد. در کنار آن باید بر عدم خروج دولت‌ها از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای پافشاری داشت.

راهکار دیگر، استحکام بخشی، ایمن‌سازی و تا جای ممکن، امحاء مواد بالقوه خطرناک و کنترل مؤثر بر صادرات برای دفاع در برابر حملات احتمالی تروریستی است. قطعنامه شماره ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) شورای امنیت، مدل قانونگذاری برای امنیت، ردیابی، کیفری کردن و کنترل صادرات را ارائه می‌دهد. به علاوه، تصویب پروتکل امنیت بیولوژیکی جهت طبقه‌بندی عناصر بیولوژیکی خطرناک و ایجاد استانداردهای منع‌کننده صادرات این عناصر توسط دولت‌های عضو کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و سمی توصیه می‌شود.

۳- قابلیت اجرایی بهتر

باید توانایی شورای امنیت برای فراهم آمدن اطلاعات معتبر راجع به موارد پنهان نگه داشته شده و امکانات بالقوه اشاعه تقویت شود.

۴- دفاع بهتر از سلامت عمومی

لازم به نظر می‌رسد که در موارد حاد و مشکوک یک بیماری عفونی و مسری، ارتباط مدیرکل سازمان جهانی بهداشت و دبیرکل سازمان ملل متحد ارتقاء یافته و شورای امنیت نیز اطلاع حاصل نماید.

۶- تروریسم

الف - تهدیدهای پیش روی ما

تروریسم، احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، قوانین ناظر بر حمایت از غیرنظامیان در جنگ، تساهل و بردباری میان ملت‌ها و کشورها، و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را که بنیان منشور ملل متحد هستند، هدف قرار می‌دهد. خاستگاه تروریسم، ناامیدی، فقر، تحقیر، سرکوب سیاسی، افراطی‌گری، نقض حقوق بشر، منازعات منطقه‌ای و اشغال خارجی و توان پائین دولت برای حفظ و

صیانت از نظم و قانون است.

ب - مواجهه با چالش پیشگیری

۱- راهبردی جامع

جنگ کنونی علیه تروریسم نیز ارزش‌هایی چون حقوق بشر و حاکمیت قانون را نشانه رفته است. ضرورت طراحی راهبردی جهانی علیه تروریسم که هم علل آن را لحاظ کرده و هم تقویت‌کننده دولت‌های مسئول، حاکمیت قانون و حقوق بنیادی بشر باشد، به چشم می‌خورد. این طرح باید با محوریت سازمان ملل و رهبری دبیرکل از این مؤلفه‌ها برخوردار باشد: پیشگیری (حذف دلایل تشکیل یا عوامل تسهیل‌کننده تروریسم از طریق ارتقای حقوق اجتماعی و سیاسی، حاکمیت قانون و اصلاحات مردم‌سالارانه، خاتمه دادن به اشغال و توجه به نارضایتی‌های عمده سیاسی، مبارزه با جنایات سازمان یافته، کاهش فقر و بیکاری و جلوگیری از فروپاشی دولت)، مقابله با افراطی‌گری و نابردباری (گسترش تعلیم و تربیت و ارتقای گفت و گوی عمومی) ارتقای سازوکارهای همکاری جهانی علیه تروریسم (در چارچوب رعایت آزادی‌های مدنی و حقوق بشر، مشارکت در اطلاعات و اعمال کنترل‌های مالی)، ظرفیت‌سازی در دولت‌ها جهت جلوگیری از عضوگیری و فعالیت تروریست‌ها، نظارت بر مواد خطرناک و ارتقای دفاع سلامت عمومی.

۲ - سازوکارهای بهتر برای مبارزه با تروریسم

برای مواجهه با معضل تروریسم، لحاظ کردن بنیان‌های هنجاری کنوانسیون‌های دوازده‌گانه ضد تروریسم، تلاش جهت اتخاذ تدابیر اجرایی داخلی جهت اجرایی کردن مفاد کنوانسیون‌ها و تقویت قوانین و قابلیت‌های فنی برای مبارزه با پول‌شویی و قابلیت‌های فنی، لازم به نظر می‌رسد. به همین منظور باید در جهت تصویب کنوانسیون‌های دوازده‌گانه ضد تروریسم و توصیه‌های هشت‌گانه سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در زمینه‌های تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی تلاش کرد. به یاد داشته باشیم عدم امکان تجدیدنظر و واخواهی برای کسانی که نام آنها یا گروهشان در فهرست تروریستی شورای امنیت خواهی قرار داده شده، حقوق بشر را نقض می‌کند.

۳- کمک به دولت‌ها در مبارزه با تروریسم

از آنجا که سازمان ملل متحد، تنها حمایت فنی می‌کند، کشورهایی که خواهان کمک به مبارزه با تروریسم هستند باید از طریق روابط دوجانبه با یکدیگر وارد عمل شوند. اداره اجرایی ضد تروریسم را می‌توان به عنوان واسطه‌ای در زمینه‌های نظامی، پلیسی و کنترل مرزها ایجاد نمود. عدم اجرای مقررات بین‌المللی ضد تروریسم، به دلیل نبود اراده سیاسی و آن، خود به دلیل نبود توان و ظرفیت است. پس توصیه می‌شود که یک صندوق مالی زیر نظر اداره اجرایی ضد تروریسم تأسیس شود. همچنین شورای امنیت باید برنامه‌هایی برای مجازات دولت‌هایی که تعهدات خود را در قبال مبارزه با تروریسم ایفا نمی‌کنند، طراحی نماید.

۴- تعریف تروریسم

عدم حصول تفاهم بر سر تعریف تروریسم از موانع توفیق در تدوین راهبردی جامع علیه تروریسم است. از معیارهای تعریف تروریسم می‌توان به توجه به موضوع توسل دولت به نیروهای مسلح علیه غیرنظامیان و شناسایی حق مقاومت ملت‌های تحت اشغال خارجی اشاره داشت. با وجود این، تسریع مذاکرات مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تکمیل کنوانسیون جامع ضد تروریسم ضروری به نظر می‌رسد.

به طور کلی عناصر تعریف تروریسم از این قرارند: توسل به زور علیه غیرنظامیان توسط دولت، جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت محسوب شود - اعمال تصریح شده در دوازده کنوانسیون ضد تروریسم، عمل تروریستی محسوب شود - حتی در هنگام درگیری مسلحانه، تروریسم منع شود - به تعریف کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم و قطعنامه ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) شورای امنیت استناد شود - اعمالی که علاوه بر کنوانسیون‌های دوازده‌گانه ذکر می‌شود در برداشتی موسع در زمره اعمال تروریستی درآیند - کنوانسیون‌های ژنو نیز مورد نظر واقع شوند.

۷- جنایات سازمان یافته فراملی

الف - تهدیدهای پیش روی ما

جنایت سازمان یافته فراملی، تهدیدی برای دولت‌هاست چون امنیت انسانی و تعهد اساسی دولت‌ها در استقرار قانون و نظم را می‌کاهد و اقدام در برابر آن، نهایتاً به مبارزه با گسترش تسلیحات و تروریسم می‌انجامد. موانع اصلی مقابله با تهدید جنایات سازمان یافته فرامرزی عبارتند از: فقدان همکاری کافی بین دولت‌ها، ضعف هماهنگی میان نهادهای بین‌المللی و عدم رعایت کامل مقررات ذی‌ربط. همچنین، فساد ریشه‌دار، توسل به خشونت جهت پیشبرد فعالیت‌های مجرمانه، روابط نزدیک باندهای جنایتکار و مقامات سیاسی، مانع از استقرار حاکمیت قانون و نهادهای دولتی می‌گردد.

ب - مواجهه با چالش پیشگیری

مبارزه با جنایات سازمان یافته، نیازمند چارچوب‌های حقوقی - بین‌المللی کارآمدتر و تلاش بیشتر در زمینه ارتقای توان و ظرفیت دولت‌ها در عرصه حاکمیت قانون می‌باشد. در ضمن، تلاش منسجم برای مبارزه با قاچاق انسان هم لازم است.

۱ - چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی کارآمدتر

چندین کنوانسیون بین‌المللی هنوز جهانی نشده و دولت‌های مشارکت کننده نیز به طور کامل، آنها را رعایت نمی‌کنند. منظور از این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته ملل متحد (۲۰۰۰) و سه پروتکل آن، و کنوانسیون ضد ارتشاء (۲۰۰۳) است. بنابراین، ساز و کارهایی برای نظارت بر تعهدات دولت‌ها و شناسایی توافق قانونی و نهادی لازم است. گروه‌های مجرم سازمان یافته به راحتی از مرزها عبور کرده و این امر، مانع از همکاری حقوقی بین کشورها می‌شود. ایجاد مرجعی برای تسهیل تبادل مدارک و ادله، میان مراجع قضائی ملی، معاضدت حقوقی متقابل میان دادستانی‌ها و اجرای در خواست‌های استرداد لازم است.

جنایتکاران برخلاف تروریست‌ها انگیزه مالی دارند. پس بهترین شیوه، از بین بردن توان آنها در زمینه پول‌شویی است. در مبارزه با قاچاق انسان، دفتر مواد مخدر و جرائم ملل متحد و سازمان بین‌المللی کار باید حقوق انسانی زنان و کودکان را ارتقا

داده و در برنامه‌های خود، راهکارهایی را برای کمک به آنها و حمایت در برابر قربانی شدن طراحی کنند.

۲ - ظرفیت‌سازی بهتر در سطح کشورها

عدم اجرای مقررات بین‌المللی، ناشی از قابلیت محدود دولت‌هاست. باید برنامه‌های آموزشی و کمک‌های فنی ارائه شود.

۸ - نقش تحریم‌ها

در برخورد پیشگیرانه با تهدیدها علیه صلح و امنیت بین‌المللی، تحریم‌ها ابزاری حیاتی اما ناقص‌اند. تحریم‌های هدفمند (مالی، مسافرتی، هوایی یا تسلیحاتی) برای تحت فشار قرار دادن رهبران و نخبگان با حداقل عواقب سوء بشردوستانه مفید بوده و تهدید به اعمال تحریم، ابزاری قوی و بازدارنده است.

برای اینکه شورای امنیت مطمئن شود، تحریم‌ها به طور مؤثر اجرا می‌شوند باید به طور منظم، مکانیسم‌های نظارتی تشکیل داده، دستورالعمل‌های مناسبی برای گزارش‌دهی از سوی کمیته‌های تحریم‌های شورای امنیت تقاضا کرده و دبیرکل با منابع کافی، فردی را تعیین کند تا تحلیل‌هایی در خصوص راهکارهای هدفمند نمودن تحریم‌ها ارائه دهد. در نهایت اینکه، تضمین یک مکانیسم حسابرسی برای نظارت بر مدیریت تحریم‌ها توسط دبیرکل، مرتباً توسط کمیته‌های تحریم‌ها، اثرات بشردوستانه تحریم‌ها را ارزیابی نماید.

فصل سوم - امنیت جمعی و استفاده از زور

۹ - به کارگیری زور: قوانین و رهنمودها

حفظ صلح و امنیت جهانی به فهم مشترک جهانی از زمان توسل به زور که مشروع و قانونی باشد، بستگی دارد.

الف - موضوع قانونی بودن

استثنای اصل منع توسل به زور عبارتند از: دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اقدام نظامی با مجوز شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور و تفویض این اختیار به سازمان‌های منطقه‌ای طبق فصل هشتم منشور. برای حفظ امنیت، تمایل به ایجاد نظام بین‌المللی قانون‌مدار افزایش یافته و تمایل به توازن قدرت با به جای ماندن یک ابرقدرت کم شده است.

۱ - ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و دفاع مشروع

ضمن نفی یکجانبه‌گرایی، باید گفت که امکان توسل به اقدامات نظامی در زمانی که تهدید حمله، قریب‌الوقوع است، وجود دارد.

۲ - فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد و تهدیدهای بیرونی

ملاحظات مربوط به دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور در مورد توسل به اقدامات قهری طبق فصل هفتم توسط شورای امنیت وجود ندارد و حتی استفاده از قوه قهریه نه تنها در مقام واکنش، بلکه به طور بازدارنده و قبل از بروز تهدید پنهان نیز قابل توجیه است. یکی از دلایلی که دولت‌ها شورای امنیت را دور می‌زنند، فقدان اعتماد نسبت به کیفیت و هدفمندی فرآیند تصمیم‌گیری است. اکنون، به دنبال مرجعی به عنوان جایگزین شورای امنیت نیستیم بلکه بهبود وضعیت شورا مد نظر است.

۳ - فصل هفتم منشور ملل متحد، تهدیدات داخلی و مسئولیت حفاظت

منشور در خصوص نجات جان افراد مورد ظلم و تعدی در داخل کشورها به اندازه لازم واضح نیست. رعایت کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی توسط همه کشورها و پذیرش مداخلات بشردوستانه در کشتار جمعی و دیگر اقدامات بی‌رحمانه مثل نقض وسیع حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا پاکسازی نژادی وسیع، تهدید امنیت بین‌المللی به شمار می‌روند.

بیش از آنکه توجه‌ها به مصونیت دولت‌ها باشد به مسئولیت دولت‌ها در قبال مردم خود و جامعه بین‌المللی است. یعنی مسئولیت حمایت دولت‌ها در قبال رنج مردم از مصیبت‌های اجتناب‌ناپذیر مثل کشتار و تجاوز جمعی، پاکسازی نژادی، ایجاد قحطی عمدی و در معرض بیماری قرار دادن. البته همچنان، مسئولیت اولیه بر

عهده دولت حاکم، شناخته شده و در صورت ناتوانی یا عدم تمایل، مسئولیت جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرد. در راستای آن، فعالیت‌های پیشگیرانه مثل بازسازی جوامع بحران‌زده ضرورت می‌یابد. خلاصه اینکه باید بر هنجار مسئولیت جمعی بین‌المللی تأکید ورزید.

ب - مسأله مشروعیت

کارآیی نظام امنیت جمعی جهانی هم به مشروعیت تصمیمات اتخاذی و هم به درک مشترک مشروعیت آن تصمیمات بر مبنای شواهد متقن و دلایل درست اخلاقی بستگی دارد.

پنج شاخصه مشروعیت توسل به زور از سوی شورای امنیت از این قرارند: جدیت تهدید (علیه کشور یا امنیت انسانی)، هدف مناسب (توقف یا جلوگیری از تهدید مورد بحث)، آخرین ابزار (سایر اقدامات غیرنظامی موفقیت‌آمیز نخواهند بود)، ابزارهای متوازن (توازن مقدار، مدت و شدت فعالیت‌های نظامی برای برخورد با تهدید مورد نظر) و توازن نتایج (نتایج فعالیت نظامی، بدتر از عدم انجام این عملیات نباشد).

۱۰- اجرای صلح و قابلیت حفظ صلح

در مواردی صلاحیت مأموریت‌های حفظ صلح و اجرای صلح از مقاصد دفاعی به مقاصد غیر دفاعی نیز گرایش یافته است. تقاضا و نیاز برای جذب کارکنان مأموریت‌های اجرای صلح و حفظ صلح، بیش از میزان اعزام این نیروهاست. باید برای کشورهای توسعه یافته، قائل به وجود یک مسئولیت ویژه مبنی بر ارتقای ظرفیت اعزام نیروهای نظامی خود برای عملیات صلح بود. همچنین باید ظرفیت‌های باربری هوایی و دریایی کشورهای دارای ناوگان ترابری به طور رایگان یا با قیمت مناسب در اختیار سازمان ملل قرار گیرد. به یاد داشته باشیم که واکنش سریع، تنها از سوی سازمان ملل ممکن نیست و از ایجاد ارتش توسط اتحادیه اروپا باید استقبال کرد.

همکاری منطقه‌ای

گرایش به سمت گوناگونی و تنوع منطقه‌ای در خصوص مأموریت‌های حفظ صلح، حاکی از توسعه‌ی ظرفیت منطقه‌ای است که علت آن، کمبود نیروهای حافظ صلح است.

۱۱ - نهادهای سازی صلح پس از منازعه

الف - نقش حافظان صلح

پس از منازعه، اعتمادسازی لازم است و در این باره میانجی‌گری و اجرای موفق یک موافقت‌نامه صلح و منابع هزینه شده در اینجا از بهترین سرمایه‌گذاری‌ها برای پیشگیری از منازعات است. ایجاد صلح در جنگ داخلی، نیازمند غلبه بر بحران‌های امنیتی و نیروهای مخرب معارض با مفاد موافقت‌نامه صلح با منافع، قدرت و ایدئولوژی خود است. برنامه‌های پیشگیرانه برای پاسخگویی به عملیات تخصصی نیروهای مخالف باید بخش لاینفک مأموریت حفظ صلح باشد. موافقت‌نامه صلحی که طرف‌های درگیر، یا مشوق نقض گسترده حقوق بشر باشند، اجرا شدنی نیست. به نظر می‌رسد که ایجاد یک واحد کوچک نظامی جهت ارزیابی و سازماندهی واحدهای پلیس جهت انجام عملیات حفظ صلح که زیر نظر مجمع عمومی عمل می‌کند، مناسب باشد.

ب - وظیفه مهمتر نهادهای سازی صلح

ترک نیروهای حافظ صلح به منزله خاموش شدن صفحه رادار شورای امنیت است. پس یک ارگان بین‌المللی جهت سازماندهی کشورهای کمک دهنده، برنامه‌ها و نهادهای مالی و بسیج منابع لازم است. همچنین لازم است که تأمین منابع مالی جهت خلع سلاح و برنامه‌های رفع بسیج جنگجویان با دستور شورای امنیت و مجوز مجمع عمومی انجام گرفته و صندوقی دائمی برای نهادهای سازی صلح تأسیس شود.

۱۲ - حفاظت از غیرنظامیان

این یک اصل است که همه جنگجویان باید از کنوانسیون‌های ژنو تبعیت کرده و کشورها نسبت به تصویب معاهدات مربوط به حمایت از غیرنظامیان مثل کنوانسیون

منع و مجازات نسل‌کشی، کنوانسیون‌های ژنو، اساسنامه رم و کنوانسیون‌های مربوط به آوارگان همت گمارند.

کمک‌های بشردوستانه، ابزار حیاتی در جهت ایفای مسئولیت حمایت از غیرنظامیان بوده و رعایت برنامه عمل ده ماده‌ای دبیرکل در حمایت از غیرنظامیان توسط همگان توصیه می‌شود. باید توجه خاصی به مسأله دسترسی به غیرنظامیان و آموزش نمایندگان سازمان ملل برای دسترسی مذاکره‌ای و حمایت از آنها مبذول گردد. همین طور، اقدام جدی شورای امنیت در برابر نظامی کردن اردوگاه‌های آوارگان توسط گروه‌های مسلح که تهدید صلح و امنیت بین‌المللی است و اجرای کامل قطعنامه ۱۲۶۵ (۱۹۹۵) در زمینه حمایت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه توسط شورای امنیت مطلوب است. باید منابع کافی به بررسی و ارائه گزارش راجع به نقض حقوق بشر زنان اختصاص یافته و به توصیه‌های قطعنامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) راجع به زنان، صلح و امنیت توجه ویژه داشت.

امنیت کارکنان سازمان ملل متحد

توانایی سازمان ملل در حمایت از شهروندان و خاتمه منازعات در گرو تأمین امنیت کارکنان سازمان ملل است و این خود، نیازمند چهار عامل می‌باشد: ظرفیت سازی کامل در اجرای وظایف مأموریتی خود، عدم دخالت نابجای دولت‌های عضو در عملیات، رعایت کامل مقررات بی‌طرفی توسط کارکنان سازمان ملل و خدمات امنیتی حرفه‌ای با دسترسی به اطلاعات و ارزیابی تهدیدات کشورهای عضو. این خدمات به رهبری مدیری که به دبیرکل گزارش دهد، توسط وی توصیه شده است.

فصل چهارم - سازمان مللی کارآمدتر برای قرن بیست و یکم

۱۳ - مجمع عمومی

عناصر کلیدی تقویت مجمع عمومی عبارتند از: تمرکز و ساختار. بحث‌های تکراری و مصوبات مبهم یا غیرقابل اجرا اعتبار این نهاد را کم کرده است و از این رو کمیته‌های کوچکتر و متمرکزتر می‌توانند قطعنامه‌های قاطع‌تر و بهتری تهیه کنند. از

این جهت، پیشنهاد‌های هیأت افراد برجسته در خصوص روابط سازمان ملل و جامعه مدنی (A/58/817) تأیید می‌شود.

۱۴- شورای امنیت

شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت، نقش نمایندگی نداشته بلکه نهاد مسؤول با قابلیت اقدام قطعی است. کشورهای دارای حق وتو، مسئولیت‌پذیری بیشتری هم در ارتقای امنیت دارا هستند.

اجرای تصمیمات شورای امنیت، نیازمند مشارکت گسترده سیاسی، نظامی و مالی دیگر اعضای سازمان ملل است. اصلاحاتی در شورای امنیت لازم به نظر می‌رسد: اعضای که همکاری مالی، نظامی و دیپلماتیک بیشتر دارند باید بیشتر در روند تصمیم‌گیری نقش داشته باشند و اختصاص هفت دهم درصد از تولید ناخالص ملی برای اداره کمک‌های توسعه‌ای، معیار مهمی است. باید کشورهای در حال توسعه در روند تصمیم‌گیری شورا مشارکت بیشتری داشته باشند اما تا جایی که قابلیت شورا تخریب نشود. این به منزله افزایش ماهیت دموکراتیک و مسئولیت‌پذیری شورای امنیت است.

دو الگو در اصلاح ساختار و ترکیب شورای امنیت پیشنهاد می‌شود:

مدل الف - شش کرسی دائمی بدون حق وتو شامل دو کشور از افریقا، دو کشور از آسیا، یک کشور از اروپا و یک کشور از آمریکا اضافه شده، به علاوه سه کرسی دو ساله، مجموعاً شامل چهار کشور از افریقا، سه کشور از آسیا، دو کشور از اروپا و چهار کشور از آمریکا.

مدل ب - بدون اینکه هیچ کرسی دائمی جدیدی اضافه شود، تقسیم‌بندی جدیدی از هشت کرسی چهار ساله قابل تمدید ارائه شده که از افریقا دو عضو، از آسیا دو عضو، از اروپا دو عضو و از آمریکا دو عضو و یک کرسی دو ساله غیردائم جدید غیرقابل تمدید اضافه شود بدین ترتیب، افریقا چهار عضو، آسیا سه عضو، اروپا یک عضو و آمریکا سه عضو خواهد داشت.

اولویت کرسی‌های دائم یا بلندمدت با کشورهایی است که در زمره سه کمک‌کننده عمده مالی در منطقه جغرافیایی یا سه کمک‌کننده عمده داوطلبانه یا سه کمک‌کننده عمده نظامی در عملیات حفظ صلح سازمان ملل است. در اصلاحاتی که برای

شورای امنیت مد نظر است، حق و تو دست نخورده باقی مانده اما کشورهای دارای این حق در موارد نسل کشی و نقض گسترده حقوق بشر باید تلاش کنند که از این حق استفاده نکنند و حق و تو هم افزایش نخواهد یافت. به نظر می‌رسد که ایجاد یک سیستم رأی‌دهی آشکار در شورای امنیت ضرورت دارد که به افزایش شفافیت و پاسخگویی نسبت به مذاکرات و تصمیمات شورای امنیت کمک می‌کند. همین‌طور، ضمن استقبال از فعالیت بیشتر جامعه مدنی در فعالیت شورای امنیت، ارتباط نزدیکتر دبیرخانه و مشاور نظامی دبیرکل با شورای امنیت به منظور تبادل اطلاعات پیشنهاد می‌شود.

۱۵ - کمیسیون نهادینه‌سازی صلح

سازمان ملل می‌تواند نقش مؤثری در بازداشتن دولت‌ها از سقوط به جنگ، به خاطر مشروعیت بین‌المللی، بی‌طرفی افراد آن، توانایی در جمع‌آوری افراد از نحله‌های فرهنگی متعدد و تجربیات طولانی سیستم‌های اداری و سازماندهی عملیات اجرایی انتقالی داشته باشد. در همین راستا پس از مشورت با شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکوساک)، تأسیس کمیسیون نهادینه‌سازی صلح پیشنهاد شده است که کارکردهای اصلی آن شامل مشخص کردن کشورهایایی است که تحت فشار و خطر سقوط هستند و باید کمک‌های احتمالی نهادینه‌سازی صلح پس از منازعه سازماندهی شود.

کمیسیون نهادینه‌سازی صلح باید به طور معقولی کوچک بوده و مسائل سیاسی عمومی و استراتژی کشور به کشور را مورد توجه قرار دهد. رئیس آن، توسط شورای امنیت، حداقل برای یکسال انتخاب شده و در جریان تصمیم‌سازی لازم است که نمایندگان شورای امنیت و شورای اقتصادی ملل متحد، نمایندگان ملی کشور مورد بحث، مدیریت صندوق بین‌المللی پول، رئیس بانک جهانی و رؤسای بانک‌های توسعه‌ای در صورت لزوم، نمایندگان کشورهای عمده کمک‌کننده و اعزام‌کننده نیرو و نمایندگان سازمان‌های منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای مورد نظر نیز حضور داشته باشند.

اداره حمایت از نهادینه‌سازی صلح

دبیرخانه کمیسیون نهادینه‌سازی صلح به عنوان اداره حمایت از نهادینه‌سازی صلح باید جهت اقدام دبیرکل برای یکسان‌سازی سیستم سیاست‌ها و استراتژی‌های نهادینه‌سازی صلح، توسعه بهترین عملکردها و حمایت کامل و همه‌جانبه از عملیات میدانی را فراهم آورد. این اداره، متشکل از ۲۰ کارمند مجرب در عملیات نهادینه‌سازی صلح بوده که وظیفه تقدیم گزارش دو سالانه از تحلیل اخطار اولیه به کمیسیون نهادینه‌سازی صلح را داراست. باید فهرستی از کارشناسان با تجربه در دوران نهادینه‌سازی صلح پس از مناقشه را نگهداری کرد و پیشنهاد می‌شود که ریاست هیأت مدیره مشورتی اداره حمایت از نهادینه‌سازی صلح با رئیس گروه توسعه‌ای سازمان ملل باشد.

۱۶- سازمان‌های منطقه‌ای

شورای امنیت باید توانایی بیشتری در ایجاد ارتباط با سازمان‌های منطقه‌ای تحت فصل هشتم منشور کسب کند. عملیات این سازمان‌ها باید واجد ویژگی‌های زیر باشد: با مجوز شورای امنیت بوده، همکاری این سازمان‌ها با شورای امنیت گسترش یافته، کشورهای کمک‌کننده، متعهد به پشتیبانی خدمات دهساله باشند، رضایت کشورهای عضو به به کار بردن تجهیزات پشتیبانی از منابع سازمان ملل شرط بوده و منابع لازم برای عملیات صلح سازمان ملل، مورد به مورد تخصیص یابد.

۱۷- شورای اقتصادی و اجتماعی

ایجاد کمیته‌ای توسط شورای اقتصادی و اجتماعی در زمینه تهدیدات امنیتی پیشنهاد می‌شود که به انجام تحقیقات در مورد زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی تهدیدات و درک بهتر مخاطرات و برگزاری جلسات مرتب رؤسای شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد و شورای امنیت بپردازد. شورای اقتصادی و اجتماعی، دومین وظیفه‌اش، ایجاد فضایی است که هر دولت، تعهدات خود را نسبت به اهداف کلیدی توسعه ارزیابی کند.

سومین وظیفه، تقویت نشست‌های همکاری‌های توسعه‌ای است. کمیته اجرایی کوچکی متشکل از اعضای گروه‌های منطقه‌ای، جهت بررسی تعاملات

شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد با کارگزاری‌ها، برنامه‌ها و ارکان اصلی باید ایجاد گردد و در پایان اینکه یک بازننگری در روش و کمیت منابع مالی کارگزاران، صندوق‌ها و برنامه‌ها لازم است.

دستیابی به سیاست منسجم

ضروری است که نهادی در سطح رهبران ملی برای اجتماع کشورهای کلیدی توسعه یافته و در حال توسعه برای بررسی مسائل حساس تجاری، زیست محیطی و مقابله با بیماری‌های مسری و توسعه اقتصادی و اجتماعی ایجاد شود. پیشنهاد دیگر، تبدیل گروه ۸ به گروه ۲۰ با حضور دولت‌هایی که ۵۰ درصد جمعیت جهان و ۹۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی جهان را در بر می‌گیرند به علاوه صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت، اتحادیه اروپا و گروه دبیرکل و رئیس شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد جهت حمایت از برنامه‌هاست.

۱۸ - کمیسیون حقوق بشر

مأموریت‌هایی که برای کمیسیون حقوق بشر لحاظ می‌شود عبارتند از: ارتقای احترام به حقوق بشر در سطح جهانی، تقویت همکاری بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، پاسخ به نقض‌ها در کشورها، کمک به کشورها جهت ظرفیت‌سازی در زمینه حقوق بشر.

اکنون با فرسایش اعتبار و تخصص در کمیسیون حقوق بشر رو به رو هستیم و استانداردهای دوگانه کمیسیون در ارتقای حقوق بشر راه به جایی نمی‌برد. حقوق بشر باید در کار سازمان ملل ادغام شود و از توسعه نهادهای ملی حقوق بشر به ویژه در کشورهای درگیر منازعه پشتیبانی به عمل آید.

پیشنهاد می‌شود که همه کشورها به عضویت کمیسیون حقوق بشر درآیند تا بیشتر توجه کشورها به مسائل محتوایی معطوف گردد. اعضای کمیسیون حقوق بشر باید تلاش کنند تا افراد مجرب و برجسته در زمینه حقوق بشر را در مقام رؤسای هیأت منصوب کنند. همین طور، ایجاد یک هیأت مشورتی مرکب از ۱۵ نفر (هر منطقه ۳ نفر) برای سه سال و یکبار تجدیدپذیر با پیشنهاد مشترک دبیرکل و کمیسر عالی، جهت ارائه مشورت در مسائل ویژه ملی، عقلایی کردن وظایف موضوعی،

پژوهش و استانداردسازی توصیه می‌شود. لازم است که کمیساریای عالی حقوق بشر، هر ساله گزارشی از وضعیت جهانی حقوق بشر ارائه دهد. ارتباط بیشتر شورای امنیت و کمیساریای عالی از جمله در دستورالعمل‌های عملیات صلح و ارائه گزارش کمیساریا در خصوص اجرای قطعنامه‌های حقوق بشری شورای امنیت به شورای امنیت و کمیسیون نهادینه‌سازی صلح در کنار ترمیم منابع مالی کمیساریا و ایجاد یک رکن اصلی در بلندمدت، به عنوان شورای حقوق بشر به جای کمیسیون حقوق بشر، مثمر ثمر به نظر می‌رسد.

۱۹- دبیرخانه

یک سیستم کارآمد امنیت جمعی، نیازمند یک دبیرکل قوی در رأس دبیرخانه‌ای حرفه‌ای ترو سازمان‌یافته‌تر است.

الف - تقویت حمایت از دبیرکل

ایجاد پست معاونت دبیرکل در ۱۹۹۶ به انسجام بیشتر کار کمک کرده و پیشنهاد پست معاون صلح و امنیت دبیرکل می‌شود. همچنین ایجاد پست معاون دبیرکل جهت نظارت بر کار سازمان در زمینه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، مرکب از ۱۵ نفر پیشنهاد می‌گردد.

ب - دبیرخانه‌ای واجد صلاحیت و حرفه‌ای

کارکنان دبیرخانه از ۱۹۹۰ کاهش یافته و اغلب تجربه یا آموزش میدانی ندارند. کشورها باید استقلال کارکنان بین‌المللی را محترم شمرده و در جهت اصلاحات در نیروی انسانی، ۶۰ پست در دبیرخانه به منظور افزایش ظرفیت‌های این نهاد که کمتر از یک درصد کل دبیرخانه است به دبیرکل اعطا شود.

۲۰- منشور ملل متحد

با توجه به آنچه گفته شد، اصلاح ماده ۲۳ منشور در مورد ترکیب شورای امنیت مفید بوده و البته عبارت «کشورهای دشمن» باید در مواد ۵۳ و ۱۰۷ حذف شود. فصل ۱۳ که در خصوص شورای قیمومت است باید حذف شده و باید تلاش کرد که توسط سازمان ملل، ذهنیت‌ها از دوران استعمار هر چه بیشتر فاصله بگیرد. با

توجه به اصلاحات شورای امنیت، کمیته کارکنان نظامی سازمان ملل متشکل از رؤسای ستاد مشترک پنج عضو دائمی در ماده ۴۷ و به تبع آن، مواد ۲۶، ۴۵ و ۴۶ باید حذف گردد.

نتیجه

نویسندگان این گزارش، ضمن بررسی تهدیدات بدون مرز و به هم پیوسته دنیای امروز و توجه به تحول در ماهیت این تهدیدات، درصدد ارائه مفهوم نوین امنیت انسانی جامع برآمده‌اند، مفهومی که اصل حاکمیت را به چالش کشیده و پا به پای مصونیت، مسؤولیت را نیز مطرح می‌کند. تفاسیر موسع از تهدیدات، تداعی‌گر قالب مفهومی گسترده‌ای از امنیت است که نتیجه آن، ظهور یک سیستم امنیت جمعی در سایه مفهوم نو از مسؤولیت جمعی حمایتی با توجه به تفکیک‌ناپذیری امنیت، توسعه و آزادی انسان است. البته خود این سیستم، مولود تثبیت مسؤولیت فعالانه و پایاپای، نه منفعلانه و فرعی جامعه بین‌المللی در کنار کشورها و سایر نهادها به منظور پاسداشت موجودیت و منزلت انسان‌ها است.

اگر نگاهی به قطعنامه‌های شورای امنیت در طول ۳۵ سال گذشته بیافکنیم، درخواهیم یافت که گزارش حاضر، فهرست چندان مترقیانه و مبتکرانه‌ای را از تهدیدات اعلام نکرده اما شاهکار آن از این قرار است که به خود جرأت داده تا وضعیت تهدید علیه امنیت بین‌المللی را تعریف و توصیف کند.

بدون تردید، نگرش امنیت‌مدارانه گزارش با توجه به واقعیات جامعه بین‌المللی که حتی عدالت را برای تحقق صلح به خدمت می‌گیرد و منشور ملل متحد، آرمان غایی سازمان را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌کند، امری دور از ذهن نیست. خصوصاً اینکه این نگاه، پرداختن به بستر مسائل را موجب می‌شود. لیکن از یاد نبریم که اولاً، دیدگاه امنیت - محور در تمام مسائل، اختیار تصمیم‌گیری را به قدرت‌های بزرگ واگذار می‌کند و ثانیاً طرز بیان گزارش به گونه‌ای است که به قول برخی صاحب‌نظران^۲، کشورهای جهان سوم، ام‌الفساد جامعه بین‌المللی تلقی شده‌اند. شاید این عارضه از تلاش گزارش جهت حفظ موضع واقع‌گرایانه رضایت‌بخش برای

^۲ سخنرانی آقای دکتر جمشید ممتاز در باشگاه دانشگاه تهران، به اهتمام جمعیت ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، اسفند ۱۳۸۳.

کشورهای قدرتمند دنیا ناشی می‌شود. اگر چه نویسندگان با اشاره به واکنش‌های تبعیض‌آمیز سازمان ملل و استفاده نابجا از حق وتو، عملکرد آن را به نقد کشیده‌اند. با همه آنچه گفته شد، در یک نگاه کلی به گزارش نه می‌توان از اختلاف فاحش وزن تعهدات کشورهای جنوب در برابر کشورهای شمال غفلت ورزید و نه می‌توان در عموم موارد از بیان قاطع گزارش در خصوص تکالیف کشورهای در حال توسعه و لحن آرام گزارش درباره وظایف کشورهای توسعه یافته چشم‌پوشی کرد.

هر چند که ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که هدف از تدوین این گزارش، انجام اصلاحات در پیکره نظام ملل متحد بوده است اما به اعتقاد نگارنده، کانون این گزارش را باید در سیاست پیشگیری جست و جو نمود. مقوله با اهمیتی که مجال پرداختن به آن نیست و تنها به این خلاصه بسنده می‌شود آن است که در مقدمه منشور ملل متحد، نجات مردم از بلای جنگ بر همین مهم استوار بوده و می‌بینیم که اولین بار، شورای امنیت در ۱۹۷۱ طی قطعنامه ۳۰۲ و مجمع عمومی در ۱۹۸۷ طی قطعنامه ۵۱ در اجلاس چهل و سوم این موضوع را مورد نظر قرار می‌دهد. به علاوه اینکه دبیرکل در سه گزارش خود، این مبحث را مورد توجه اساسی قرار داده است. در گزارش پیش‌رو نیز در راستای اتخاذ سیاست پیشگیری، راهکارهایی در پیش گرفته شده که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره داشت:

- ۱ - تقویت نقش دیوان بین‌المللی کیفری
- ۲ - مدیریت بین‌المللی منابع طبیعی
- ۳ - تأکید بر عملیات صلح و به ویژه نهادینه‌سازی صلح
- ۴ - پافشاری بر تکوین یکسری بنیان‌های هنجاری در زمینه‌های مخصصات، تروریسم، محیط زیست و تسلیحات از طریق جهانی ساختن کنوانسیون‌های ذی‌ربط
- ۵ - ارتقای جایگاه سیستم اخطار به موقع
- ۶ - تلاش در جهت ترفیع نقش کشورهای مؤثرتر در اقدامات سازمان ملل و افزایش ماهیت دموکراتیک آن تا جای ممکن

خلاصه اینکه اگر چه از اواخر دهه ۱۹۵۰ پیشنهادهای زیادی برای اصلاح سازمان ملل متحد طرح شده اما این گزارش را باید از دو جهت نسبت به گزارش‌های مشابه دبیرکل همچون گزارش سال ۱۹۹۲ تحت عنوان «دستور کاری برای صلح» یا گزارش سال ۲۰۰۰ به نام «ما مردمان...» متمایز دانست:

الف - ملل متحد اکنون خود را گرفتار بحران مشروعیت می‌بیند و آثار این حقیقت در گزارش مشهود است.

ب - این گزارش در صدد تثبیت و تحکیم روابط قدرت در سطح جامعه بین‌المللی است و از این رو به واقعیت هژمونی تن در داده است.

در پایان از جنبه شکلی، این توضیحات لازم به نظر می‌آید که هر چند گزارش‌های این‌چنینی در زمره قواعد انعطاف‌ناپذیر حقوق بین‌الملل تلقی نشده و از درجه الزام‌آوری ناچیزی برخوردار هستند اما می‌توان چنین پنداشت که اینها طرح سلوکی را در میان اعضای جامعه بین‌المللی به نمایش می‌گذارد که چه بسا تدریجاً جایگزین هنجارهای لازم‌الاتباع امروزی گردند و این امر نه در رویه قضائی بین‌المللی بی‌سابقه است و نه در قلمرو حقوق بین‌الملل موضوعه به ویژه در رشته‌های جوانی چون حقوق بین‌الملل محیط زیست ناشناخته مانده است.

نکته دیگر آنکه علی‌رغم حضور مشاوران و محققان حقوقی در کنار افراد یاد شده جهت نگارش این گزارش، اما بی‌راه نیست اگر ادعا کنیم که چرا در میان افراد هیأت، نشانه‌ای از حضور حقوقدانان برجسته بین‌المللی نمی‌یابیم. این مورد، زمانی پررنگ‌تر می‌شود که می‌بینیم نظام ملل متحد از سازوکاری چون کمیسیون حقوق بین‌الملل بهره می‌برد که اتفاقاً طرح جرائم علیه صلح و بشریت نیز در سال‌های پیشین بدان واگذار گردیده است.

مطلب آخر اینکه همان‌طور که اشاره شد با توجه به سابقه ابتکار دبیرکل سازمان ملل متحد مبنی بر تشکیل هیأت عالی‌رتبه با منظور نوعی مقابله با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده، امر بعیدی نبود که شاهد آن باشیم دولت ایالات متحده نسبت به اعطای هرگونه کمک مالی برای تهیه این گزارش فروگذار کند اما در کنار آن، بنیادها و مراکز تحقیقاتی امریکایی مشهوری را می‌بینیم که با حضور فعال خود، مأموریت چندین و چند ساله خود را در جهت جهانی‌سازی حقوق، آن هم در راستای امیال و منافع خود در این گزارش به نحو احسن به انجام رسانده‌اند.

آقای کوفی عنان همان‌طور که قول داده بودند در خصوص گزارش هیأت عالی‌رتبه، نظرات خود را طی گزارشی تحت عنوان «در آزادی بیشتر: به سوی

توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همگان» در ۲۱ مارس ۲۰۰۵ ارائه کرد.^۳ در این گفتار، قصد بر آن نیست که به تحلیل آن بپردازیم اما بجاست که به همین مختصر بسنده کنیم که این گزارش اخیر دارای دو وجه است: یکی در مورد اجرای اعلامیه هزاره ملل متحد در سال ۲۰۰۰ و ناظر بر گزارش کمیته‌ای است که در ژانویه ۲۰۰۵ یافته‌های خود را به نام «سرمایه‌گذاری در توسعه: یک برنامه عملی در نیل به اهداف توسعه هزاره» انتشار دادند و دیگری گزارش دسامبر ۲۰۰۴ هیأت ۱۶ نفره را که از آن صحبت کردیم، دربر می‌گیرد.

باید اذعان داشت که اگر در گزارش دسامبر ۲۰۰۴ نگاه غالب، نگاه امنیتی است اما در گزارش مارس ۲۰۰۵ تأکید ویژه‌ای بر حقوق بشر وجود دارد. ضمن اینکه این گزارش، سراسر روح گزارش دسامبر ۲۰۰۴ را حفظ کرده است اما حائز نکاتی چند است که به صورت خلاصه از آنها یاد می‌کنیم:

۱. مبنای کار را تکمیل مثلث توسعه، آزادی و صلح قرار می‌دهد.

۲. با ارائه مفهوم موسعی از «آزادی بیشتر»، گستره آن را به فرد، فرد افراد جامعه تسری می‌دهد، آنقدر که می‌خوانیم: مفهوم آزادی بیشتر، متضمن این اندیشه است که توسعه، امنیت و حقوق بشر، دست به دست شوند و تحت این عنوان، دو مقوله را پیش می‌کشد:

الف) رهایی از نیاز

ب) رهایی از بیم

۳. در تدوین این گزارش، حداقل در ظاهر دیده می‌شود که بیشتر تلاش شده تا کفه تعهدات کشورهای در حال توسعه در قبال کشورهای توسعه یافته از وزن مشابه و متناسبی برخوردار باشد.

۴. در گزارش دسامبر ۲۰۰۴، توسعه، بنیان اجتناب‌ناپذیر هر سیستم امنیت جمعی خوانده شده بود اما در گزارش مارس ۲۰۰۵ است که شاهد اندراج تعهدات و ترتیبات شفاف‌تری به نفع کشورهای در حال توسعه از سوی کشورهای توسعه یافته هستیم.

۵. علی‌رغم اینکه دبیرکل کوشش کرده تا در گزارش «در آزادی بیشتر: به سوی

³ A/59/2005, In Larger Freedom: toward development, security and human rights for all, Report of Secretary General, 21 March 2005.

توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همگان» به محتوای گزارش «جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک ما» وفادار باقی بماند و حتی در مواردی عیناً به تکرار جملات می‌پردازد اما در مواردی هم پا را فراتر از گزارش پیش می‌گذارد. از جمله این موارد عبارتند از: اشاره به مبحث جهانی شدن، تمرکز بر اولویت حقوق بشر، تأکید بر راهکارهای تحقق عملی توسعه با اشاره به تکالیف طرفین، توجه به نکاتی چون دموکراسی، بی‌کیفیری و قانون‌مداری و در پایان اصلاحات ساختاری فراتر از موارد یاد شده در گزارش سابق.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 2

2004-2

Articles

- Belgium and the End of a Ten Years Dream of Universal Jurisdiction over International Crimes
- Intervention of Judges for Controlling of Laws in Comparing to Constitution (Comparative Law & Iran)
- Security Council and Referral of the Situation in Darfur (Sudan) to the International Criminal Court
- Legal Analysing of the Iran-EU Agreement on Nuclear Program
- National Implementation of International Law and the Role of Iranian Courts

Special Issue : Combatting of the Criminal Law against Economic offences

- Comparative Approach to Crime of Bribery in the Legal Systems of France, Italy, Switzerland and China
- Necessity of Extending the Punishment of Bribee to Non-Governmental Sectors in the Iran's Criminal Code
- Fraudulent Bankruptcy
- Considering Legal Aspects of Insider Trading in Security Markets
- Computer Fraud

Report and Critique

- Reflections on Proposed Draft of the Ministry of Commerce for Amendments of Iran's Commercial Code
- A More Secure World: Our Shared Responsibility (The Report of the High-Level UN Panel on Threats, Challenges and Change)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study